



سیاست خارجی دونالد ترامپ؛ چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های احتمالی

ابجد

مجموعه مقالات

سیاست خارجی دونالد ترامپ؛ چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های احتمالی

کاری از اندیشکده راهبردی تبیین

وبسایت اندیشکده: www.Tabyincenter.ir

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، چهارراه فرمانیه، خیابان بوستان، خیابان نسترن، پلاک ۳۲

کد پستی: ۱۵۸۵۶۸۶۷۱۱

تلفن: ۲۶۱۵۳۳۲۹

نمابر: ۲۶۱۵۳۳۲۹

مقدمه

انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا با برتری حزب جمهوری خواه به پایان رسید و دونالد ترامپ به عنوان چهل و پنجمین رئیس جمهور ایالات متحده شناخته شد؛ فردی که موسسات نظرسنجی چندان به پیروزی وی امیدوار نبودند و در عوض رقیب وی یعنی هیلاری کلینتون را رئیس جمهور بعدی آمریکا معرفی می‌کردند. به دنبال پیروزی ترامپ در انتخابات ۸ نوامبر و به دلیل عدم سابقه سیاسی وی در آمریکا، پرسش‌ها و ابهامات زیادی در خصوص آینده سیاست خارجی آمریکا مطرح شد. برخی کارشناسان و تحلیلگران از عملکرد بودن سیاست خارجی ترامپ سخن به میان آورده و برخی دیگر معتقدند وی در عرصه سیاست خارجی رو به انزواگرایی خودخواسته خواهد آورد. بنابراین، تلاش برای پیش‌بینی سیاست خارجی ترامپ یک بازی پیچیده است که ممکن است تحلیل‌گران راهماندپیش‌بینی نتیجه انتخابات آمریکا، دچار سردرگمی کند. با این حال، با توجه به تعلقات حزبی ترامپ، شعارهای انتخاباتی وی، مواضع سیاسی‌اش بعد از انتخابات و نیز مطرح شدن برخی اعضای تیم سیاست خارجی وی می‌توان برخی جهت‌گیری‌ها و شاخص‌های سیاست خارجی دولت بعدی آمریکا را ترسیم کرد.

مبانی سیاست خارجی دونالد ترامپ

دونالد ترامپ از جناح سنتی حزب جمهوری خواه موسوم به «جناح محافظه‌کار» است که به جریان پروتستانی-اونجلیکی راست افراطی آمریکا [۱] (WASP) تعلق دارد. (راست افراطی، مجموعه‌ای از فرقه‌های پروتستان در آمریکا است که اصولاً در کلیسای انجیلی ریشه دارند و از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ وارد سیاست شدند.) این

جریان بر عوامل داخلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا تأکید دارد و شدیداً معتقد به بازگشت آمریکا به دوران عظمت گذشته و استثنانگرایی آمریکایی [۲] است.

از جمله متغیرهای داخلی آمریکا که در عرصه سیاست‌گذاری این کشور بسیار تأثیرگذار است، جریان‌های سنتی اجتماعی- مذهبی می‌باشند که با نگرشی محافظه‌کارانه نسبت به مسائل اجتماعی، حامی سیاست خارجی اقتدارگرایانه و تهاجمی‌اند. نوع‌گفتمان مذهبی حاکم بر این جنبش‌ها، حاکی از نوعی سیاست خارجی ایدئولوژیک برای آمریکا است که می‌توان دکتترین بوش در سال ۲۰۰۰ را تجلی خوبی برای آن دانست. (Cherkaoui, 19 July 2016)

جنبش راست مسیحی از یک سو بر لزوم گسترش «ارزش‌های آمریکایی» در جهان تأکید، و از سوی دیگر به «اهرم نظامی» به عنوان ابزار مناسب پیشبرد سیاست خارجی نظر دارد. مجموعاً می‌توان حامیان این جنبش محافظه‌کار اجتماعی را عقبه مردمی راهبرد کلان تهاجمی به ویژه در دوران روسای جمهور جمهوری خواهان مثل جرج دبلیو بوش دانست. هرچند جمهوری خواهان آمریکا در میزان وزن دهی به متغیرهای داخلی یا اعمال رویه‌های نظامی‌گرایانه با یکدیگر تفاوت دارند، اما در مسئله بازگشت آمریکا به دوران اقتدارگرایی، اعمال ارزش‌های لیبرالی در سیاست خارجی (نمودش، طرح خاورمیانه بزرگ و جدید در خاورمیانه)، و قدرت‌محور بودن رویه‌های داخلی و خارجی با یکدیگر اتفاق نظر دارند. دونالد ترامپ نیز در چنین چارچوبی، با طرح شعار «ساختن عظمت دوباره آمریکا [۳]»، به دنبال احیای اقتدارگرایی آمریکا و تقویت قدرت اجتماعی و اقتصادی این کشور در عرصه‌های مختلف است. علاوه بر این، برخی تفکرات و سیاست‌های داخلی ترامپ نظیر مخالفت با لایحه سقط جنین، مخالفت با مهاجرت غیرقانونی و نظایر این‌ها حاکی از تعلق وی به جنبش محافظه‌کار راست مسیحی است.

(Ibid)

چارچوب‌ها و رویه‌های اجرایی سیاست خارجی ترامپ

هرچند دونالد ترامپ تاکنون دارای پیشینه و عملکرد سیاسی رسمی در ساختار حکومتی ایالات متحده نبوده، اما با توجه به گرایش‌های حزبی و مبانی فکری‌ای که در فوق‌برشمرده شد، می‌توان برخی مولفه‌ها و چارچوب‌های اجرایی سیاست خارجی وی را مطرح کرد:

وفاداری و اقدام در چارچوب جناح جمهوری خواهان

با وجود اینکه ترامپ در دوران تبلیغات انتخاباتی خود با بسیاری از سران جمهوری خواه اختلاف نظر پیدا کرد و خود جمهوری خواهان نیز چندان روی نامزدی وی اجماع نظر نداشتند (رک: محمدی، ۹۵/۳/۹)، با این حال وی بعد از انتخابات، وفاداری خود را به حزب متبوع‌اش نشان داد. در این زمینه، ترامپ در اولین اقدام، «رینس پریبس»، دبیر کمیته ملی جمهوری خواهان آمریکا را به عنوان رئیس دفتر خود در کاخ سفید برگزید؛ رینس پریبس ۴۴ ساله، روابط بسیار خوبی با بسیاری از جمهوری خواهان از جمله «پل رایان» رئیس مجلس نمایندگان آمریکا دارد. انتخاب پریبس را می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که ترامپ قصد دارد با هماهنگی بیشتر با جمهوری خواهان فعالیت کند. (روزنامه رسالت، ۱۳۹۵/۸/۲۳) علاوه بر این، انتخاب «مایک پمپئو»، عضو جمهوری خواه کمیته اطلاعات مجلس نمایندگان آمریکا به عنوان رئیس آتی سازمان سیا نیز نشان از دنباله‌روی وی از جریان متبوع خود یعنی حزب جمهوری خواه دارد. در خصوص تیم سیاست خارجی ترامپ نیز تاکنون افرادی نظیر «جان بولتون» سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل در زمان جورج بوش پسر، «رودی جولیانی» شهردار سابق نیویورک، «نیوت گینگریچ» سخنگوی اسبق مجلس نمایندگان آمریکا و برخی دیگر از چهره‌های سرشناس جمهوری خواه مطرح هستند که همگی از رهبران متعصب این حزب به شمار می‌آیند.

سیاست خارجی منفعت طلبانه

در علم روان شناسی سیاسی رفتار و عملکرد پیشین شخص معرف رفتارها و عملکردهای بعدی وی خواهد بود. در این چارچوب، تحلیل گران سیاسی بر این اعتقادند که ترامپ به دلیل تاجر بودن و سوابق اجرایی در زمینه مسائل اقتصادی، سیاست خارجی منفعت طلبانه را درپیش می گیرد. در راستای این سیاست و در خصوص مسائل غرب آسیا، ترامپ در جریان رقابت های انتخاباتی اش اعلام کرده بود که عربستان و شیخ نشین های خلیج فارس از چتر حمایتی آمریکا استفاده می کنند بدون اینکه کمترین هزینه ای بابت آن پرداخت کنند و این معادله قابل استمرار نیست. یا اینکه، عنوان کرده بود آمریکا هرگز نباید هزینه ناتورا پردازد چرا که کشورهای عضو ناتو سهم خود را نمی پردازند. مصادیق دیگر سیاست خارجی منفعت طلبانه ترامپ، وعده کاهش حضور نظامی آمریکا در آسیا و مخالفت با واردات بی رویه آمریکا خصوصاً از رقبای این کشور نظیر چین است. ترامپ همچنین در جریان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ نیز گفته بود که آمریکا باید برای جبران هزینه های این جنگ، نفت عراق را مصادره کند و این مصادره اصلاً دزدی به حساب نمی آید. این نوع تفکرات خارجی ترامپ هر چند در اجرا با مشکلات فراوانی روبرو خواهد بود اما اگر حتی اندک سیاست های وی در این زمینه محقق شود سیاست خارجی آمریکا را با پیامدهای عدیده ای مواجه خواهد کرد.

تلفیق انزواگرایی و مداخله گرایی

یکی دیگر از مولفه های سیاست خارجی ترامپ که به اذعان بسیاری از کارشناسان نشان از پیش بینی ناپذیری سیاست های وی دارد، تردید و ابهام در خصوص نگاه به داخل و خارج است. با این حال، ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی خود بیش از همه بر

نگاه به داخل و ضرورت توجه به جامعه داخلی آمریکا تأکید کرد. در این خصوص، وی در اولین مصاحبه تلویزیونی‌اش با شبکه «سی. بی. اس» درباره عملکرد دولت مردان آمریکا گفت: «ما از پانزده سال پیش در جنگ خاورمیانه درگیر هستیم. ما شش تریلیون دلار در این منطقه هزینه کرده‌ایم. ما با این پول می‌توانستیم کشورمان را دو مرتبه از نوبازسازی کنیم. به وضع جاده‌ها، پل‌ها، تونل‌ها و فرودگاه‌هایمان نگاه کنید که شبیه مکان‌های از رده خارج است. این وضع (نتیجه انتخابات) در وضعیتی است که در طولانی مدت پیش آمده است.» (سایت الف، ۲۵/۸/۹۵) می‌توان گفت این نوع سیاست نگاه به داخل ترامپ در راستای همان سیاست منفعت طلبانه وی است که با تعهدات بیش از حد خارجی آمریکا و افزایش هزینه‌های این کشور مخالف است.

نگرش‌ها و سیاست‌های درون‌گرایانه ترامپ در حالی مطرح هستند که عده‌ای از تحلیل‌گران هم‌زمان معتقدند وی برای تحقق رویای استثنانگرایی آمریکایی و سیاست منفعت طلبانه، مجبور است مداخله‌گرایی‌گزینشی و سیاست‌های تهاجمی را در پیش بگیرد. برنامه ترامپ برای مقابله با قدرت چین (وی قبل از انتخابات، وعده اعزام نیروی نظامی زیاد به دریای جنوبی چین و متهم کردن این کشور به دستکاری اطلاعاتی در صورت پیروزی راداده بود)، اعزام نیروی نظامی برای مقابله با داعش (وعده فرستادن ۲۰ تا ۳۰ هزار سرباز آمریکایی به منطقه در این خصوص)، اجبار متحدان به پرداخت هزینه‌های آمریکا و نظایر اینها نشان از سیاست خارجی مداخله جویانه ترامپ دارد. علاوه بر این، حضور و نقش آفرینی برخی از تندروها و رادیکال‌های جمهوری خواه در کابینه آتی ترامپ (نظیر جان بولتون، نوت گینگریچ، پریس، پل رایان و...) نیز نشان از تقویت جریان نومحافظه‌کاری و سیاست خارجی مداخله‌گرایانه در دوره زمامداری ترامپ است. (Government Advocacy & Public Policy Practice Group, November, ۱۵, ۲۰۱۶)

مصادیق سیاست خارجی ترامپ

با استناد به محورهای سه‌گانه فوق، سوالات زیادی در خصوص مصادیق سیاست خارجی دونالد ترامپ مطرح می‌شود که برخی از این سوالات به شرح زیر است:

۱- سیاست ترامپ در خصوص ایران و برجام به طور مشخص چگونه خواهد بود؟

۲- ترامپ در قبال روسیه چه سیاستی را در پیش خواهد گرفت؟

۳- سیاست ترامپ در قبال ناتو و اروپا تابع چه اصولی خواهد بود؟

۵- سیاست ترامپ در قبال تحولات منطقه، خصوصاً در قبال آنچه در عراق و سوریه می‌گذرد چه خواهد بود؟

ایران و توافق هسته‌ای ایران

مقابله با ایران و سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه، یکی از موضوعات اصلی سیاست خارجی ترامپ در منطقه غرب آسیا خواهد بود. ترامپ در کمپین‌های انتخاباتی خود بارها با انتقاد از باراک اوباما گفته بود که سیاست‌های وی باعث قدرت‌یابی ایران در منطقه و تهدیدزایی این کشور برای آمریکا شده است. وی مقابله با نیروهای نظامی ایران در خلیج فارس و تشدید فشار بر ایران به منظور عقب‌نشینی از سیاست‌های منطقه‌ای را جزء سیاست‌های اصلی خود برشمرده است. با این حال، محور سیاست ترامپ در خصوص ایران را می‌توان توافق هسته‌ای ایران و مقابله با آن دانست. ترامپ مانند بسیاری از جمهوری خواهان به شدت با توافق هسته‌ای ایران مخالف است و آن را چالشی برای آمریکا و متحدانش خواند. وی انتقادات شدیدی به دستگاه دیپلماسی آمریکا در خصوص توافقنامه هسته‌ای با ایران داشت. در این خصوص در مصاحبه‌اش با «نیویورک تایمز» گفت: «ما در این توافق میلیارد‌ها دلار پول به آنها (ایرانیان) دادیم که

نباید می‌دادیم. به دلیل اینکه کشور ما کشوری ورشکسته با بدهی بیش از ۱۹ تریلیون دلار است باید این پول را نگه می‌داشتیم.» (۲۰۱۶ Vatanka, July)

با این حال، ترامپ بعد از پیروزی در انتخابات برخلاف بسیاری از جمهوری خواهان از جمله تد کروزر، جرج بوش و... اعلام کرد که به دنبال کنار گذاشتن یا لغو یکسره برجام نیست بلکه در عوض مدعی شد که توافق هسته‌ای با ایران را در سخت‌ترین شکل ممکن اجرا خواهد کرد. وی در این زمینه گفت: «به عنوان یک قرارداد بد، من هم در برابر این قرارداد بسیار سرسخت خواهم بود.» ترامپ و تیم مشاوران سیاست خارجی وی در خصوص برجام، همچنین از «مذاکره مجدد» با ایران برای تصحیح این توافق (بدانظر آمریکا) خبر دادند. وی در این زمینه مدعی شد که با دو یاسه برابر کردن تحریم‌های فعلی آمریکا، ایران را مجبور خواهد کرد پای میز مذاکره برگردد. (مشرق نیوز، ۲۰/۸/۱۳۹۵)

باید توجه داشت که مذاکره مجدد درباره توافق هسته‌ای، از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران به معنای نوعی چالش برجام و یا نقض آن خواهد بود. جدا از این، تصویب تحریم‌های جدید یا تمدید تحریم‌های قبلی نیز از دیدگاه ایران به نوعی در حکم نقض برجام خواهد بود. در این زمینه، «تمدید قانون تحریم‌های ده ساله ایران» موسوم به (ISA) از سوی کنگره آمریکا، حاکی از چالش آفرینی جدید آمریکا در روند اجرای برجام می‌باشد. واکنش مقامات ایران از جمله رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز ترسیم‌کننده مسیر آتی آمریکا در مواجهه با توافق هسته‌ای ایران است. با توجه به قدرت گرفتن بیشتر جمهوری خواهان در انتخابات اخیر کنگره که قبلاً بر کنار گذاشتن برجام تصریح کرده بودند، احتمال اینگونه چالش آفرینی توسط دولت بعدی آمریکا نیز بسیار زیاد است. به چالش کشیدن برجام گرچه کار را از نظر دیپلماسی برای جمهوری اسلامی ایران سخت میکند و حتی ممکن است در کوتاه مدت دچار لطماتی شود اما در بلندمدت به دلیل اینکه نشان‌دهنده انتخاب سیاست و اگرایی با اروپا (بقیه گروه ۵+۱) توسط ترامپ محسوب

می‌شود، احتمالاً برخی شکاف عملی را در بلوک غرب در پی دارد که این امر فرصت‌های بالقوه‌ای را برای ایران به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این، به چالش کشیدن برجام توسط دولت آتی آمریکا، با توجه به رعایت تمام تعهدات توسط ایران، باعث می‌شود تا آمریکا به عنوان کشوری غیرقابل اعتماد و بی‌تعهد به پیمان‌های بین‌المللی معرفی شود و تحت این شرایط، این کشور نمی‌تواند همانند گذشته میدان‌دار اقدام کامل علیه ایران شود. هر چند که جمهوری اسلامی ایران در چارچوب قانون «اقدامات متناسب و متقابل در اجرای برجام»، با توجه به موارد نقض این قانون از سوی کشورهای غربی خصوصاً آمریکا، می‌تواند اقدامات را مقتضی را در این زمینه اتخاذ کند و از حجم تعهدات خودش خصوصاً در زمینه میزان غنی‌سازی اورانیوم یا نصب تعداد سانتریفیوژها، بکاهد. در این صورت باز هم کشور آمریکا به عنوان شروع‌کننده نقض برجام و چالش‌آفرین در اجرای یک تعهد مهم بین‌المللی معرفی خواهد شد.

روسیه

به طور کلی ترامپ بر پذیرش نقش روسیه در حل منازعات بین‌المللی تأکید دارد. رئیس‌جمهور منتخب آمریکا چه در دوران مناظرات انتخاباتی و چه بعد از اعلام نتیجه انتخابات، بر همکاری با روسیه خصوصاً در زمینه مبارزه با تروریسم در غرب آسیا تأکید کرد. ترامپ در بحران سوریه (ر.ک: محمدی، ۱۳۹۵/۵/۳۱)، به مقامات روسیه حق داد تا برای جلوگیری از سرریز شدن تروریسم به داخل خاک کشورشان مداخله نظامی نمایند. وی حاکمیت روسیه بر شبه جزیره کریمه را به رسمیت شناخت و وعده داد که برای رفع تحریم‌های آمریکا علیه روسیه اقدام خواهد کرد. رئیس‌جمهور منتخب آمریکا بر منافع مشترک آمریکا و روسیه در برخی زمینه‌ها و رفع خصومت‌ها بین دو کشور تأکید و تصریح کرد: «ما لزوماً نباید دشمن یکدیگر باشیم. باید زمینه‌های مشترکی با روس‌ها بر اساس

منافع مشترک پیدا کنیم. به عنوان مثال، روسیه نیز از تروریسم اسلامی ضربه خورده است. من معتقدم که کاهش تنش و بهبود مناسبات با روسیه فقط از یک موضع قدرتمند عملی است. تعقل حکم می کند که این دور خصومت پایان یابد.» ترامپ همچنین برخلاف سنت دیگر سیاستمداران آمریکایی که از پوتین رئیس جمهور روسیه، به عنوان فردی مستبد یاد می کنند، بارها از وی به عنوان «رهبری بسیار مقتدر و هوشمند» تمجید کرد. (The Monitor's View, April, ۲۷, ۲۰۱۶) سیاست نزدیکی ترامپ به روسیه در حالی است که کارشناسان معتقدند با توجه به روند فعلی اعضای کنگره و سیاست های ضد روسی آنها، تحقق این سیاست احتمالاً با چالش مواجه خواهد شد. بهترین سناریو برای روابط آتی آمریکا-روسیه، پیشرفت تدریجی گفت و گوهایی است که بعد از بحران اوکراین متوقف شده و اکنون با قدرت یافتن ترامپ می تواند با قوت از سر گرفته شود.

اتحادیه اروپا و ناتو

ترامپ معتقد است که نهاد ناتو در دوران جنگ سرد و در تقابل با نظام کمونیسم ایجاد شده است؛ بنابراین اکنون که کمونیسم نابود شده است، این نهاد کارکرد خود را از دست می دهد. به اعتقاد ترامپ، تعهدات آمریکا به ناتو برای این کشور هزینه بردار است؛ زیرا آمریکا در مقایسه با دیگر اعضا که ناتو در دفاع از آنها تشکیل شده است، سهم بیشتری می پردازد. طبق گزارش ناتو، ایالات متحده در سال جاری میلادی ۲۲ درصد هزینه های ناتو را پرداخت می کند. به اعتقاد ترامپ این آمار نشان می دهد که ۲۷ عضو دیگر ناتو از آمریکا سواری مجانی می گیرند. بنابراین، کاخ سفید باید تعهدات خود را در این زمینه کم کند. (همان)

از دیدگاه اتحادیه اروپا، سیاست کاهش تعهدات آمریکا به ناتو و به تبع آن تضعیف این نهاد امنیتی، به منزله چالش برای محیط ژئوپولیتیکی و امنیتی اروپا است که به طور تدریجی از زمان پایان جنگ جهانی دوم شکل گرفته است. افول ناتو به عنوان پیمانی نظامی و سیاسی، ممکن است توانایی اعضای اروپایی این نهاد را برای حفظ امنیت کامل خود با چالش جدی مواجه کند. در صورتی که تأثیرات واگراییانه خروج انگلیس از اتحادیه اروپا و ریاست جمهوری ترامپ بر بسیاری از کشورهای اروپایی ادامه داشته باشد، ممکن است ناتو و اتحادیه اروپا به عنوان دو نهادی که به نظم غربی موجودیت بخشیده‌اند، شاهد اضمحلال شدید باشند که این امر در نهایت به سود روسیه است. به دلیل اینگونه ملاحظات است که برخی از کشورهای اروپایی عضو ناتو از جمله فرانسه و آلمان به دنبال مخالفت ترامپ با ناتو و کاهش تعهدات آمریکا از تشکیل «ارتش مشترک اروپایی» خبر دادند.

بدین ترتیب، سیاست‌های عدم تعهد و واگراییانه ترامپ نسبت به اروپا و ناتو می‌تواند روابط اروپا و آمریکا و نیز الگوهای امنیتی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. اما به دلیل عدم وجود جایگزین‌های مطمئن برای اروپا، جدایی کامل اتحادیه اروپا از آمریکا امکان پذیر نیست. از این رو، حفظ اتحاد امنیتی نسبی با آمریکا همچنان ضروری است. تبریک «آنگلا مرکل» صدر اعظم آلمان به دونالد ترامپ، به این مسیر جدید اشاره دارد. مرکل در پیام خودش ضمن اعلام نگرانی از سیاست‌های رئیس جمهور منتخب آمریکا، بر مشترک بودن ارزش‌های بین دو طرف اقیانوس اطلس و لزوم نزدیک‌تر کردن سیاست‌های آمریکا و اروپا اشاره کرد.

تحولات منطقه

در قبال تحولات منطقه غرب آسیا، رویکرد آمریکا تا حد زیادی متناقض و پیچیده است. از یک سو حزب جمهوری خواه مانند حزب دموکرات متعهد است که راهبرد کلان آمریکا مبنی بر مداخله‌گرایی در منطقه را حفظ کند و از سوی دیگر، ترامپ با چرخشی عجیب وعده عدم مداخله آمریکا را در منطقه داده است. ترامپ در این چارچوب با انتقاد از سیاست‌های اوباما در غرب آسیا، تأکید کرده که آمریکا دیگر نمی‌تواند خود را ژاندارم جهان بداند. رئیس‌جمهور جدید آمریکا در این راستا و در خصوص تحولات سوریه، ضمن مخالفت با سیاست مداخله‌جویانه دولت اوباما عنوان کرد که هیچ‌گاه دست به اقدام نظامی علیه دولت بشار اسد نخواهد زد و تنها برای مبارزه با گروه تروریستی داعش کمپین نظامی در سوریه به راه خواهد انداخت. وی در این خصوص گفت: «من از جنگ سوریه بیرون می‌ایستم و علیه بشار اسد نخواهم جنگید، زیرا فکر می‌کنم این جنگ یک مشکل بزرگ است». ترامپ در پاسخ به این پرسش که آیا راضی است بشار اسد در قدرت باقی بماند، گفت: «آمریکا مشکلاتی بزرگ‌تر از مسئله بشار اسد دارد. اولین توجه آمریکا باید معطوف به شکست داعش باشد... بشار اسد بهتر از آنهایی است که واشنگتن از آنها حمایت می‌کند... سوریه بدون اسد سقوط می‌کند و به یک عراق و یا لیبی دیگر تبدیل می‌شود.» (Lawler, Aug ۱۶, ۲۰۱۵)

در خصوص مقابله با داعش، طرح اولیه ترامپ، قطع کردن منابع مالی حاصل از فروش نفت این گروه است. البته وی وعده بمباران مواضع داعش را داده و بیان کرده که شرکت‌های نفتی آمریکایی را برای بازسازی زیرساخت‌های ویران شده به عراق و سوریه خواهد فرستاد تا نفت این دو کشور را برای ایالات متحده مصادره کنند. ترامپ مدت‌هاست که از این ایده حمایت می‌کند. وی در سال ۲۰۰۷ نیز گفته بود که آمریکا باید نفت عراق را برای جبران ضرر و زیان ایالات متحده در طول جنگ مصادره کند. ترامپ

در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۱ گفته بود: «در زمان‌های گذشته وقتی در یک جنگ بودیم، پیروز میدان صاحب غنائیم نیز بودیم. شما وارد جنگ می‌شوید و پیروز می‌شوید، شما هیچ چیز را نمی‌دزدید... فقط یک و نیم تریلیون دلاری که در این جنگ (عراق) هزینه کردیم را پس می‌گیرید.» طرح ترامپ برای مبارزه با داعش و تروریست‌ها (طبق اذعان او) همچنین شامل مقابله با جریان‌های اسلام‌گرای افراطی در داخل آمریکا و کنترل خانواده‌های آنها نیز خواهد بود که در این زمینه محدودیت‌های شدیدی اعمال خواهد شد. (۲۰۱۶ Vatanka, July)

مصادق دیگر سیاست خارجی منفعت‌طلبانه ترامپ در منطقه (همانند بسیاری از دیدگاه‌های وی از جمله اشغال عراق، مقابله با داعش و...)، در نوع نگاه به عربستان است. وی اعتقاد دارد که عربستان به عنوان یک کشور هم‌پیمان آمریکا در منطقه باید بخشی از هزینه‌های نظامی آمریکا را پرداخت کند. ترامپ که به دلیل حضور سعودی‌ها در کمپین انتخاباتی رقیبش یعنی کلینتون چندان خرسند نیست، به انتقاد از روابط گسترده و آشنگتن با عربستان در دوره او با ما پرداخت و گفت: «چه بخواهیم چه نخواهیم، افرادی داریم که از عربستان حمایت کردند، مانعی در این راه وجود ندارد، اما هزینه‌های بسیاری را متحمل شدیم، بدون اینکه به ازای آن چیزی به دست آوریم، آنها باید در قبال این هزینه‌ها خسارت جبران کنند.» رئیس‌جمهور منتخب آمریکا در خصوص گزارش جنجالی کمیته تحقیق ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز گفته بود: «در این گزارش اسناد رسوا کننده‌ای در مورد نقش عربستان وجود داشت که مقامات این کشور باید هزینه‌های آن را جبران کنند.» به طور کلی، سیاست‌های ترامپ در خصوص عربستان، حاکی از کاهش اعتماد به این کشور و مخالفت با سیاست‌های یک‌جانبه آل سعود در منطقه است؛ امری که می‌تواند بر نتایج بحران یمن، سوریه و حتی عراق تأثیرگذار باشد و از آنا‌رشی‌های ایجاد شده توسط عربستان در این کشورها تا حدودی جلوگیری کند. (ر.ک به زارعی، ۱۳۹۵/۸/۲۵) در مجموع، دیدگاه ترامپ در خصوص منطقه غرب آسیا

یک حکم کلی دارد: «این منطقه یک باتلاق بزرگ است که ایالات متحده باید از آن دور بماند.» (Cavanaugh, May, ۲۰۱۶) معنی سخن ترامپ این است که احتمالاً در دوره ریاست جمهوری وی ما شاهد هیچ جنگی از سوی آمریکا در منطقه نخواهیم بود.

نتیجه‌گیری

دونالد ترامپ از حزب جمهوری خواه آمریکا و متعلق به جریان راست مسیحی این کشور است. این جریان با داشتن نگرشی ایدئولوژیک و در عین حال قدرت‌محور، قائل به بازگشت آمریکا به دوران اقتدار گذشته و استثنانگرایی آمریکایی است. ترامپ در این چارچوب، ملغمه‌ای از شعارهای ملی‌گرایانه، اقتصاد حمایت‌گرایانه (موسوم به سیاست مرکانتیلیستی)، و نیز شعارهای استعمارگرانه را مطرح کرد. براساس دیدگاه وی، نگاه آمریکا در وهله اول باید به درون باشد، از «ملت‌سازی خارجی» دست بردارد و منابع خود را در راستای نیازهای داخلی جهت‌دهی کند. ترامپ خواهان کاهش هزینه‌های آمریکا در ناتو و منطقه اقیانوس آرام است. در خصوص تحولات منطقه غرب آسیا منتقد سیاست‌های مداخله‌جویانه دولت فعلی آمریکا است. اولویت او در بحران سوریه، مقابله با داعش به جای سرنگونی نظام بشار اسد است. ترامپ معتقد است که متحدین منطقه‌ای آمریکا نظیر عربستان باید بخشی از هزینه‌های امنیتی آمریکا را در منطقه پرداخت کنند. وی همچنین، بر اهمیت بهبود روابط با روسیه در حل منازعات بین‌المللی تأکید و بیان نموده که روسیه می‌تواند در جنگ با ستیزه‌جویان داعش با آمریکا مشارکت نماید. در خصوص جمهوری اسلامی ایران، ترامپ به سیاست‌های منفعت‌جویانه و در عین حال، استعمارگرایانه قائل است. در این چارچوب، ضمن اعتقاد به مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران و برخورد با ماجراجویی‌های نظامی ایران در منطقه، خواستار بازنگری در برجام از طریق مذاکره مجدد، با توسل به فشارهای چندجانبه اقتصادی است که این امر حاکی از

نوعی الغاء یا چالش برجام توسط آمریکا از سوی جمهوری اسلامی ایران است. به چالش کشیدن برجام ضمن داشتن برخی مخاطرات کوتاه مدت برای ایران، فرصت راهبردی نیز برای کشور در پی خواهد داشت که واگرایی و از بین رفتن اجماع میان کشورهای اروپایی و آمریکا در اتخاذ اقدامی واحد علیه جمهوری اسلامی از جمله آنها خواهد بود.

خلاصه اینکه، سیاست های اعلامی ترامپ تاکنون (نظیر مخالفت وی با تجارت دو سوی اقیانوس اطلس - تجارت آمریکا با ۲ کشور صنعتی -، تردید در منطقه گرایی آمریکای شمالی (نفتا) به دلیل مخالفت با مهاجرین مکزیکی، بی میلی در تداوم تعهدات به ناتو و تعاملات گسترده با اتحادیه اروپا و نظایر اینها) تا حدی در نقطه مقابل پویای جهانی شدن و ارتباطات گسترده منطقه ای و جهانی است؛ سیاست بین الملل در عصری که از منطقه گرایی فراتر رفته و وارد عصر جدید تعاملات میان منطقه گرایی (Inter-regionalism) شده، اینگونه سیاست های بازگشت به عقب آمریکان نشان از دوران تاریک سیاست بین الملل و قدرت های بزرگ آن دارد که این امر بیش از هر چیز نشان دهنده چندقطبی شدن نظام بین الملل و رد شدن ایده پایان تاریخ آمریکایی ها (یکسره شدن تاریخ جهان) دارد. اینکه چه قدر ایالات متحده در عصر ترامپ بتواند در مقابل موج گسترده ارتباطات جهانی و منطقه ای (پویای جهانی شدن) ایستادگی کند باید منتظر گذر زمان بود، اما به هر حال، به نظر می رسد اینگونه سیاست ها در برابر موج قوی جهانی شدن تا حد زیادی دچار تعدیل شود.

پی‌نوشت:

- [۱]. White Anglo-Saxon Protestant
- [۲]. American exceptionalism
- [۳]. making America great again

منابع:

- روزنامه رسالت (۱۳۹۵/۸/۲۳): سیاست خارجی ترامپ چگونه خواهد بود؟، آدرس:
=http://www.resalat-news.com/Fa/?code ۲۴۴۱۱۸
- زارعی، سعدالله (۱۳۹۵/۸/۲۵): عربستان و ترامپ، آدرس: <http://www.dolateir/go ۱۰۲۵۸۳۹۱>
- سایت خبری-تحلیلی الف (۱۳۹۵/۸/۲۵): ریشه‌های سیاست خارجی احتمالی ترامپ، آدرس:
<http://alef.ir/vdcftmdjew> <http://dyca.igiw.html?413857>
- مشرق نیوز (۱۳۹۵/۸/۲۰): چرا احتمالاً ترامپ برای ما بهتر است؟ آدرس:
<http://www.mashreghnews.ir/fa/news ۶۵۳۶۷۹>
- محمدی، مصطفی (۹۵/۵/۳۱): بررسی رویکردها و سیاست‌های احتمالی ترامپ و کلینتون در مواجهه با بحران سوریه، آدرس:
<http://tabyincenter.ir/12779>
- محمدی، مصطفی (۹۵/۳/۹): حزب جمهوری خواه و انتخابات آمریکا؛ بحران در هویت و کارکرد، آدرس:
<http://tabyincenter.ir/11880>
- Cherkaoui, Mohammed ; (۱۹ July 2016); Donald Trump: The Rise of Right-wing Politics in America, address: <http://studies.aljazeera.net/en/reports/2016/07/clone.of.donald-trump-rise-wing-politics-america-1.html>
- Matthew, Cavanaugh, (May 4, 2016); It's time to take Donald Trump's scary foreign policy views seriously, address: <http://www.vox.com/2016/2/10/10960124/donald-trump-foreign-policy-isis>

Frederick Ludowyk and Bruce Moore, eds, (2007); WASP, Australian modern Oxford dictionary.

The Monitor's View, (April 27, 2016); Where Trump, Clinton overlap on Syria, Address: <http://www.csmonitor.com/Commentary/the-monitors-view/2016/0427>

Lawler, David (16 Aug 2015); What does Donald Trump think of immigrants, Saudi Arabia and the Iran nuclear deal? Address: <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/us-election/11806565>

Government Advocacy & Public Policy Practice Group,(November 15, 2016), A Quick Snapshot Of President-Elect Trump's Foreign Policy Agenda, address: <http://www.kslaw.com/imageserver/KSPublic/library/publication/ca111516a.pdf>

Vatanka, Alex; U.S.-Iran Relations: Recommendations for the Next President; http://www.mei.edu/sites/default/files/publications/PF17_Vatanka_IranUS_web.pdf



با توجه به تعلقات حزبی ترامپ و شعارهای انتخاباتی او می توان
برخی جهت گیری ها و شاخص های سیاست خارجی دولت بعدی
آمریکا را ترسیم کرد.

اندرشکده ژئوپلیتیک و استراتژیک

نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

@Tabyincenter



www.Tabyincenter.ir

نشانی پایگاه اینترنتی:



۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۳۹

شماره تماس جهت اعزام سخنران: